

چالش‌های مدیریت در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی دانشگاهی و تحقیقاتی

شرکت‌کنندگان: *

۱. آقای دکتر محمدصادق ضیایی: رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران
۲. آقای سید کاظم حافظیان رضوی: مدیر کل مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی
۳. آقای ابراهیم عمرانی: رئیس کتابخانه دانشکده علوم دانشگاه تهران
۴. آقای محمدسمیعی: سردبیر «کتاب ماه کلیات»
۵. آقای دکتر علی رادباوه: عضو هیأت علمی مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی
۶. آقای سیروس داودزاده: رئیس کتابخانه مرکزی کشاورزی
۷. خانم فهیمه لولاگر: رئیس کتابخانه دانشکده پزشکی شهید بهشتی
۸. خانم مریم پورثانی: رئیس کتابخانه دانشکده پیراپزشکی شهید بهشتی
۹. خانم صدیقه شوشه‌ریز: رئیس کتابخانه دانشگاه هنر
۱۰. خانم فریبا افکاری: کارشناس ارشد بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران
۱۱. آقای محسن حاجی‌زین‌العابدینی: معاون مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی
۱۲. آقای حسن درخشان: معاون کتابخانه مرکزی دانشگاه علم و صنعت

سرفصل‌های این میزگرد عبارت است از:

۱. شناخت مدیران و مسئولان نهادها از نقش و مسئولیت مدیران کتابخانه‌ها و مدیریت آنها.
۲. شناخت دانشجویان از کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی.
۳. چالش‌های مدیریت کتابخانه در رابطه با حوزه مدیریت بالاتر.
۴. امکانات امروز کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی دانشگاهی و تحقیقاتی.
۵. آینده کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی.
۶. جایگاه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در جامعه دانایی محور.
۷. مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و درک امروز آنها از کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی.
۸. جایگاه متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی در محیط‌های دانشگاهی و تحقیقاتی.



ضیایی:
در بررسی سیر حرکتی
جوامع دو بال پرواز جوامع
علم و اخلاق بوده است.
هر جامعه‌ای که به این دو
جنبه اهمیت داده رشد کرده
است و هر جامعه‌ای که از
هر کدام از این دو جنبه
غافل مانده، به رشد و
پویندگی دست نیافته است

سمیعی: در عصر اطلاعات و دانایی، کتابخانه جایگاه ویژه‌ای دارد. در دنیا تحولات جدی در زمینه کتابخانه‌ها رخ داده است. کتابخانه‌ها بیشتر از سایر مراکز در معرض جهانی شدن قرار گرفته‌اند و ارتباطات فرهنگی‌شان را گسترش داده‌اند. در ایران نیز انتظار می‌رود تا به این سمت و سو حرکت کنیم. فرهنگ مراجعه به کتابخانه باید قبل ورود به دانشگاه به وسیله آموزش و پرورش در جامعه آموزش داده شود. این فرهنگ از اهمیت بالایی در جهان امروز برخوردار است.

حافظیان رضوی: من شک ندارم جمعی که در اینجا حضور دارند تجارب گوناگونی در زمینه محیط کتابخانه دارند و برخی از دوستان دارای نقش‌های محوری در فعالیت‌های کتابداری مانند مدیریت کتابخانه بوده‌اند. از دکتر ضیایی درخواست می‌کنم که در مورد دیدگاه‌شان پیرامون مدیریت کتابخانه دانشگاهی توضیح دهند. ضیایی: قبل از پاسخ به سؤال جناب آقای حافظیان به نحوه نگرش مدیریت دانشگاه‌ها نسبت به کتابخانه‌های دانشگاهی می‌پردازم. در عصری که به نظر «پیتر دراگر» یکی از بزرگ‌ترین نظریه پردازان علم مدیریت، جامعه امروزی را جامعه دانشگرا نامیده است، ویژگی‌های خاصی به چشم می‌خورد. نحوه نگرش و اداره این جامعه به چگونگی ورود به بحث دانش مرتبط است. دانش را در دو بُعد Knowledge و Science می‌شناسیم. این دو بُعد چه ویژگی‌هایی دارند و ما برای دریافت اطلاعات از طریق این دو مقوله چگونه باید باشد، در کجا این مفاهیم باید پردازش شوند و در اختیار آحاد مختلف جامعه قرار گیرند؟ آیا اگر کسی دانشجو و محقق نباشد، استفاده از منابع برای او امکان‌پذیر نیست؟ شاید با استفاده از منابع بتواند محقق و یا دانشجو گردد. ما در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنیم و نحوه اداره کردن آن به چه شکل باید باشد؟ بالطبع دانشگاه باید مهد علم و اخلاق باشد. در بررسی سیر حرکتی جوامع دو بال پرواز جوامع علم و اخلاق بوده است. هر جامعه‌ای که به این دو جنبه اهمیت داده رشد کرده است و هر جامعه‌ای که از این دو جنبه غافل مانده، به رشد و پویندگی دست نیافته است. دانشگاه مهد علم و اخلاق است. به اعتقاد من اگر دانشگاه در زیر مجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفته است، این وزارتخانه رسالت انتقال علم و اخلاق را ندارد. وزارتخانه به واسطه مسئولیت در ابعاد اجرایی و ستادی و ورود به یک سری چالش‌هایی که باید از هر راه ممکن ضمن حفظ ارزش‌ها راهگشای مسائل گردد، نمی‌تواند مانند دانشگاه‌ها در ابعاد اخلاقی و علمی گام بردارد. به همین علت می‌توان در مورد جایگاه دانشگاه تهران با توجه به اسناد موجود مطرح کرد که قانون تأسیس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگرفته از قانون تأسیس دانشگاه تهران است. امروزه می‌تواند نوید داد که با حضور جناب آقای فرجی دانا در رأس دانشگاه تهران دوران بسیار طلایی بر دانشگاه تهران حاکم است، زیرا ایشان عقیده دارد که دانشگاه تهران منشا تحولات آموزشی و تحقیقاتی در کشور بوده و باید باشد. استقلالی که دانشگاه به آن دست یافت، مدت‌ها مغفول بود. عدم استقلال دانشگاه، نوع نگرش مدیریت جامعه به دانشگاه را زیر سؤال می‌برده است. ولی امروزه با همت ایشان و اعضای محترم هیأت رئیسه



ضیایی:
باسرفرازی اعلام می‌کنم
که تعداد عضو ثبت شده
کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران به بیش از ۵۰ هزار
نفر رسیده است و روزانه
حدود ۵ هزار نفر از این
مجموعه عظیم استفاده
می‌کنند و این به دلیل
قربانی است که ما با
متخصصان کتابداری ایجاد
کرده‌ایم

دانشگاه که بهترین ترکیب در چندین سال اخیر هستند، دانشگاه تهران به استقلال دست یافت. جالب است که نگاه دکتر فرجی دانا به مدیریت دانشگاه، نگاه همه ما به علم و چگونگی ایجاد بستر رشد علم و قرار گرفتن پژوهش در محور امر است. ما باید آموزش‌ها را در جهت حرکت‌های علمی قرار دهیم. پژوهش به ما می‌گوید که آموزش در چه مسیری باید قرار گیرد. مرکز پژوهش کجاست؟ چه چیزی می‌تواند پژوهش را هدایت کند، به گونه‌ای که پژوهش در راستایی قرار گیرد که بتواند در جامعه دانش‌گرای امروزی آموزش را شکل دهد و منابع انسانی تحت آموزش‌های درست قرار گیرند؟ منابع پژوهش در کتابخانه‌هاست. من دارای تحصیلات کتابداری نیستم، ولی در کنار کتابداران قرار گرفته‌ام و سعی کردم از آنها در اداره کتابخانه استفاده کنم و از آنها بیاموزم. با سرفرازی اعلام می‌کنم که تعداد عضو ثبت شده کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به بیش از ۵۰ هزار نفر رسیده است و روزانه حدود ۵ هزار نفر از این مجموعه عظیم استفاده می‌کنند و این به دلیل قربانی است که ما با متخصصان کتابداری ایجاد کرده‌ایم. از نظر من مدیریت دانشگاه به کتابخانه دیگر به عنوان انبار کتاب نگاه نمی‌کند، بلکه به عنوان مرکز اطلاع‌رسانی به آن می‌نگرد. مرکزی که موظف است براساس مفاهیمی که در ادبیات امروزی فناوری IT مطرح است، اطلاعات را پردازش کند و تنها اطلاعات خام را در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار ندهد. این مراکز وظیفه دارند تا منابع را به شکلی تهیه کنند که برای مراجعان تحقیق بیشتر در جهت عمق بخشیدن به حرکتشان در راستای مطالعه، ایجاد انگیزه کنند. این نگرش سازمان ماست. این کمک‌ها را مدیریت دانشگاه به کتابخانه نموده است. مدیریت دانشگاه اعتقاد دارد که مدیریت کتابخانه مرکزی دانشگاه باید با این الگو حرکت کند و ما امروز با توجه به سیستم‌های مکانیزه موجود در دانشگاه و نرم‌افزارها، در ارائه خدمات بهبود ایجاد کرده‌ایم. براساس مذاکره‌ای که با معاون محترم طرح و برنامه دانشگاه تهران داشتیم، قرار شد که در یک فرآیند برنامه ریزی شده مسئولیت کتابخانه‌های دانشکده‌های دانشگاه تهران در شورای هماهنگی کتابخانه‌های دانشکده‌های دانشگاه تهران که در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، در ماه یکبار تشکیل می‌گردد مطرح و به متخصص امر (کتابداران) واگذار گردد.

اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به این سمت حرکت می‌کنیم که با ایجاد معاونت فنی در کنار معاونت اجرایی بتوانیم به هدف مذکور نائل آییم. پس نگرش موجود نسبت به کتابخانه‌ها به نگرش سازمان‌های مربوطه بازمی‌گردد. اگر سازمان‌ها به کتابخانه‌ها به عنوان انبار کتاب نگاه نکنند، مدیریت‌ها در جهت اطلاع‌رسانی گام برمی‌دارند و اطلاعات که جایگاهشان در کتابخانه‌هاست و اولین نیاز پژوهش می‌باشد مهم تلقی گردند. اگر پژوهش در دانشگاه‌ها پا بگیرد و رشد یابد، جامعه موفق خواهد شد. بالطبع اولین ثمره آن بحث آموزش است. هدف مراکز آموزشی و تحقیقاتی، ارائه آموزش‌های استاندارد و جهت‌دهی به برنامه‌های آموزشی است که فارغ‌التحصیلان آن بتوانند در مصادر امر قرار گیرند و نه تنها با علم محض که با علوم کاربردی نیز آشنا شوند. به نظر من کتابخانه‌ها باید به این سمت و سو حرکت کنند و مدیریت‌ها این مراکز را برای ارائه خدمات مطلوب تر آماده کنند.

حافظیان رضوی: از خبر نوید بخش شما در مورد تغییر مدیریت کتابخانه‌ها و نیز توجه مؤثرتان در زمینه نقش کتابخانه در محیط دانشگاه سپاس گزارم. جناب آقای عمرانی تجربه طولانی در زمینه مدیریت و کار در کتابخانه‌های دانشگاهی مانند دانشکده علوم دانشگاه تهران دارند و باعث تحولات زیادی در آن کتابخانه و سایر کتابخانه‌های دانشگاه شدند. من به خاطر دارم که در سال ۱۳۷۳ اولین نشست‌ها پیرامون آشنایی با فناوری اطلاعات در دانشکده علوم به دعوت ایشان و با همکاری مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهاد سازندگی برگزار شد. آقای عمرانی، هم در زمینه مدیریت کتابخانه و هم در زمینه تعامل با دانشجویان دارای تجربیات گرانمایی هستند. از ایشان درخواست می‌کنم در مورد دانشجویان و کتابخانه صحبت کنند.

عمرانی: دوره جدیدی که ما وارد آن شده‌ایم با دوره سابق بسیار متفاوت است. در دوره‌ای که ما شروع به کار کردیم، افتخار داشتیم که تعداد زیادی از دانشجویان را به کتابخانه جذب کنیم، ولی امروز در دوره‌ای قرار گرفته‌ایم که ترجیح می‌دهیم مراجعات حضوری را تا حد ممکن کم کنیم و اطلاعات را در مکان‌هایی که دانشجویان حضور دارند، در اختیارشان قرار دهیم. پس نحوه رفتارمان تغییر کرده است. ما در گذشته کتاب و یا مجله‌ای را که استادی در آن زمینه به تحقیق می‌پرداخت، در اختیار وی قرار می‌دادیم. او با دانشجویان و



عمرانی:

یکی از اساسی‌ترین
مشکلات دانشجویان این
است که نمی‌توانند با
کتابخانه ارتباط برقرار کنند
و سؤال کنند آنها حتی
نمی‌توانند بگویند که دنبال
منبعی هستند که در این
کتابخانه موجود نیست

دانشجویان با ما ارتباط برقرار می‌کردند تا از این مجموعه‌ها استفاده کنند. ما باید اعتماد دانشجویان را جلب کنیم. یکی از اساسی‌ترین مشکلات دانشجویان این است که نمی‌توانند با کتابخانه ارتباط برقرار کنند و سؤال کنند آنها حتی نمی‌توانند بگویند که دنبال منبعی هستند که در این کتابخانه موجود نیست. خیلی مهم است که بتوانیم با دانشجویان ارتباط برقرار کنیم و به گونه‌ای اعتماد آنها را جلب کنیم که بتوانند به کتابدار نیازش را بیان کنند. کتابدارانی موفق بوده‌اند که توانستند این نوع اعتماد را ایجاد کنند. این اعتماد جز با در دسترس قرار دادن منابع مورد نیاز پیش نمی‌آید. در حال حاضر کتابدار مقاله را به دست دانشجو نمی‌دهد. چون مقاله در دست کتابدار هم نیست. اگر بخواهیم طبقه‌بندی در این زمینه داشته باشیم، می‌توان دوره بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ - ۱۹۹۵) را دوره مالکیت مجموعه بنامیم و اواخر دهه ۱۹۹۰ را دوره دسترسی به مجموعه نام‌گذاری کنیم. دوره اول خود به دو بخش تقسیم می‌شود: دوره ساختن مجموعه‌ها که اصطلاح مجموعه‌سازی به آن اطلاق می‌شود و از ۱۹۷۵ تا اواخر قرن را دوره مدیریت مجموعه می‌نامند. دوره دسترسی به مجموعه دوره مدیریت دانش است. در این دوره نحوه رفتار با دانشجو تغییر می‌کند. ما در این دوره باید به گونه‌ای دیگر اعتماد دانشجو را جلب کنیم. در حال حاضر عمده کار کتابخانه‌های دانشگاهی در ارتباط با دانشجو، اساتید، آموزش استفاده‌کنندگان است و مهم‌ترین وظیفه در کتابخانه‌های دانشگاهی آموزش کاربران است. در سایر حوزه‌ها مانند مجموعه‌سازی خدمات و سازماندهی ما وظایف اصلی و اولویت‌ها امری را در برابر وظایفی که در درجه‌های بعدی اهمیت قرار دارند، می‌توانیم تعریف کنیم. در حوزه ارتباط با دانشجو اصلی‌ترین وظیفه کتابدار دانشگاهی، آموزش کاربران است. آموزش اینکه چگونه بتواند از منابع و شبکه استفاده کند. ما می‌توانیم اعتماد را با قرار دادن مجموعه‌ها و پیوستن به استانداردهای جدید، ایجاد کنیم.

هم‌چنین باید استاندارد جاری بین‌المللی را رعایت کنیم. به عنوان نمونه هنگامی که مجموعه‌ای از کتاب‌های الکترونیک را از ناشران بین‌المللی مانند «راتلج» برای یک سال خریداری می‌کنیم، اگر نرم‌افزار کتابخانه از استانداردهای بین‌المللی برخوردار باشند در هنگام جست و جوی کتاب دسترسی On Line به کتاب اعلام می‌شود. به هر حال رعایت استانداردها و آموزش کاربران مهم‌ترین چالشی است که در ارتباط با دانشجویان پیش رو داریم.

حافظیان رضوی: همان‌گونه که آقای عمرانی اشاره کردند یکی از نقش‌های اصلی کتابخانه دانشگاهی، آموزش دانشجویان است، من می‌خواهم تا وظیفه و نقشی نیز برای کتابخانه‌های غیر دانشگاهی تعیین شود. تا چه حد حس می‌کنید که سایر کتابخانه‌ها مانند کتابخانه‌های عمومی و یا کودک و نوجوان و مدارس که باید دانشجویان را تحویل دانشگاه دهند، می‌توانند توانایی‌هایی در دانشجویان ایجاد کنند که بتوانند از کتابخانه‌های دانشگاهی استفاده کنند. از خانم لولاگر، درخواست می‌کنم در مورد میزان آشنایی دانشجویان با روش‌های بهره‌گیری از کتابخانه توضیح دهند.

لولاگر: دانشجویان تا هنگام ورود به دانشگاه کتاب‌های درسی را در اختیار داشته‌اند. من پس از سال‌ها تلاش و پیگیری موفق شدم تا برای اولین بار در ترم پاییزه سال جاری یک واحد کتابداری برای دانشجویان دانشکده پزشکی جاری و تدریس کنیم، زیرا دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه هیچ چیزی در مورد کتاب نمی‌دانند و اکثر کتاب‌ها را با مشخصات جلدآبی رنگ و یا قرمز رنگ بیان می‌کنند. ارائه این واحد راهنمای بسیار خوبی برای دانشجویان شد. قبل از این کلاس‌ها حتی با مفهوم index آشنا نبودند. ای کاش این دوره را قبل از وارد شدن دانشجویان به دانشگاه دایر می‌کردند. دانشجویان از گذراندن این واحد درسی راضی هستند، زیرا در وقتشان صرفه‌جویی می‌شود و می‌توانند از روی نمایه کتاب به انتخاب منابع بپردازند. حتی به آنها تذکر داده‌ایم که راهنماهای پایان کتاب را سرسری نگیرند، زیرا منابع پایان هر کتاب می‌تواند راهنمایی برای آشنایی با کتاب‌های دیگر باشد. برگزاری این واحد، (شیوه بهره‌گیری از کتاب و کتابخانه) تجربه بسیار موثری بود. حتی دانشجویان سال‌های پیش مشتاقانه سر این کلاس‌ها حاضر شدند. هر چند این کار اولین گام در این راستاست، اما امیدوارم که این کار را گسترش دهیم.

حافظیان رضوی: بنده نیز با دانشجویان سروکار دارم و می‌دانم که آنها با این مفاهیم آشنایی بسیار کمی



لولاکر:

برگزاری این واحد، (شیوه بهره‌گیری از کتاب و کتابخانه) تجربه بسیار موفقی بود. حتی دانشجویان سال‌های پیش مشتاقانه سر این کلاس‌ها حاضر شدند. هر چند این کار اولین گام در این راستاست، اما امیدوارم که این کار را گسترش دهیم

دارند. علت این امر، هم کم‌کاری کتابداران و هم عدم توجه به آموزش این مفاهیم در دوره پیش از دانشگاه است، وزارت آموزش و پرورش در این جهت باید بیش از این فعالیت کند. خانم شوشه‌ریز، میزان امکانات کتابخانه‌های دانشگاهی و پاسخگویی به نیازهای دانشجویان تا چه حد است؟ با توجه به اینکه منابع هنری خارج از محیط کتابخانه دانشگاهی به دلیل قیمت بالا و نایاب بودن به راحتی در اختیار دانشجو قرار ندارد.

شوشه‌ریز: جامعه هنری نیز مشکلات مطرح شده را به نوبه خود و حتی بیشتر دارد، زیرا رشته هنر ماهیتاً با سایر رشته‌ها متفاوت است. کتابخانه هنر از نظر مجموعه، مراجعه‌کننده و فضا با سایر کتابخانه‌های دانشگاهی متفاوت است. هر کس نمی‌تواند پذیرای منابع ما باشد. ما غنی‌ترین منابع هنری را نه تنها در کشور بلکه در خاورمیانه در اختیار داریم. تعداد مراجعه‌کنندگان ما بسیار زیاد است. در عصری قرار داریم که کتابخانه‌ها از نظر مکان جغرافیایی اختصاص به مکان خاصی ندارند و با توجه به وب‌سایت‌های کتابخانه‌ها، مجموعه‌ها در اختیار همگان است. کتابخانه مرکزی دانشگاه هنر پذیرای تعداد زیادی از مراجعه‌کنندگان است. اعضای دایم کتابخانه هنر به سایر کتابخانه‌ها بسیار کم مراجعه می‌کنند. در حالی که اعضای سایر کتابخانه‌ها به صورت مکرر به کتابخانه مرکزی مراجعه می‌کنند. در راستای بحث آموزش دانشجو باید به آموزش استفاده‌کننده اشاره کنم که شامل اساتید نیز می‌گردد. من در سال ۱۳۷۶ بر روی پایان‌نامه‌های موجود در رشته هنر در کتابخانه مرکزی دانشگاه هنر کار کردم و به نیاز پژوهشی مراجعه‌کنندگان پی بردم. دانشجویان نه تنها نیاز به آشنایی با شیوه بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ها و حتی شیوه‌های بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاعاتی دارند، بلکه ساختار پژوهش را نیز نمی‌شناسند. من در کتاب اخیرم از حدود ۸۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد چکیده‌نویسی کردم. این پایان‌نامه‌ها هیچ‌گونه ساختار علمی نداشتند. بحث هنری به صورت گسترده بیان شده بود و بحثی از هدف، ساختار و روش نیست، حتی عنوان پایان‌نامه گویای کار انجام شده نیست. می‌توانم بگویم که مسئولان دانشگاه تا حدی پی به نقش مؤثر کتابدار کتابخانه دانشگاه برده‌اند، ولی مانند سایر موارد مسئولان از تمام مشکلات آگاه هستند و از راهکارها نیز اطلاع دارند. اما اینکه چرا به آنها عمل نمی‌شود، جای سؤال دارد. حال که رشته کتابداری تا مقطع دکتری ادامه دارد، چرا کتابخانه دانشگاهی توسط کتابداران اداره نمی‌شود. چرا دکترای سایر رشته‌ها با استفاده از این بازو کار را پیش می‌برند، ولی ما کتابداران چنین قدرتی نداریم. چرا قوانین اجازه این کار را نمی‌دهد. احتمالاً قوانین مربوط به زمانی است که رشته کتابداری تا مقطع کاردانی تدریس می‌شد. دانشجویان به نقش مؤثر کتابدار پی برده‌اند و گاه در زمینه منابع پایان‌نامه، انتخاب پایگاه‌های جست‌وجو و کتاب و حتی در زمینه ساختار پایان‌نامه از کتابدار کمک می‌خواهند. کتابدار پاداشش را می‌گیرد، ولی جا دارد که حقتش نیز محفوظ باشد.

سه رکن اصلی هر کتابخانه مجموعه، مراجعه‌کننده و کتابدار است، من در این جلسه امروز قصد داشتم که مشکلات کتابداران را مطرح کنم، ولی دغدغه‌های دیگری نیز وجود دارد. از کتابخانه به عنوان قلب دانشگاه نام برده می‌شود، زمانی این قلب درست کار می‌کند که کتابدار با رضایت و توانایی‌های کامل هم از لحاظ دانش روز و هم از لحاظ ابزار کار بتواند اطلاع‌رسانی کند. کتابداران ما، از لحاظ به روز کردن دانش و معلوماتشان با توجه به تغییر و تحولات فن‌آوری، نیاز به روزآمد کردن اطلاعاتشان دارند و قوانین و مقررات هم باید تغییر کنند.

با طرح تبیینی که جدیداً برای کارکنان و کارشناسان اجرا شده است، اکثر کتابداران محروم بوده‌اند توجه‌شان برای اینکه عنوان کارشناس نباید حتی برای رده فوق لیسانس کتابداری به کار برده نشود، این بود که کتابدار، عنوان کارشناس را در دل خود دارد. بنابراین کتابداران از بسیاری حقوق محروم ماندند. البته به تازگی این مقررات تغییر یافته است. دانشگاه هنر از مردادماه سال جاری برای کتابداران عنوان کارشناس را هم به کار برده است. اما تمام پرسنل کتابخانه که از بخش‌های مختلف وارد عرصه کتابداری شده‌اند عنوان کارشناس گرفته‌اند.

با توجه به تدوین دو جلد کتاب فرهنگ‌نامه مشاغل فرهنگی، که در جلد دوم آن که مختص پست کتابداری و اطلاع‌رسانی و پست مخصوص هنر است و بر روی آن ذکر شده است که فرهنگ‌نامه مشاغل فرهنگی برای غیردولتی. پست‌های ذکر شده در این کتاب، بسیار بجا و درست است و این مسأله نشان می‌دهد که مسئولان



شوشه ریز:

می‌توانم بگویم که
مسئولان دانشگاه تا حدی
پی به نقش مؤثر کتابدار
کتابخانه دانشگاه برده‌اند،
ولی مانند سایر موارد
مسئولان از تمام مشکلات
آگاه هستند و از راهکارها
نیز اطلاع دارند. اما اینکه
چرا به آنها عمل نمی‌شود،
جای سؤال دارد

نسبت به این موارد بینش و آگاهی دارند، ولی قواعد را اجرا نمی‌کنند. در این دو جلد، پست‌ها تعریف شده و شرح وظایف آنها آمده است. بهتر است به شرح وظایف کتابداران نیز توجه شود. در این کتاب وظایف کتابداران برچسب چسباندن، صحافی، فایل کردن، فهرست نویسی کردن و حتی تهیه کتابشناسی و هر آنچه که مقام ما فوق بگوید ذکر شده است که جای تأسف است. اگر جامعه، جامعه اطلاعاتی و دانشگر است، چرا جایگاه کتابداران تا این حد پایین است.

حافظیان رضوی: به مبحث نیروی انسانی اشاره کردید که یکی از چالش‌های موجود در کتابخانه‌های ما است که خوشبختانه وضعیت تا حدی بهبود یافته است.

آقای دکتر ضیایی به نگرش مثبت مدیریت دانشگاه تهران به کتابخانه اشاره کردند. از خانم پورثانی، درخواست می‌کنم انتظارات خود را از مدیریت دانشگاه برای سرویس دهی مطلوب و پشتیبانی از کتابخانه بیان کنند.

پورثانی: در وهله اول مدیریت دانشگاه باید از وظایف کتابخانه آگاه باشد. متأسفانه نازل‌ترین وظیفه کتابخانه که امانت دادن کتاب است، تنها وظیفه کتابخانه قلمداد می‌شود.

در حقیقت مسئولان کمترین خدماتی را که یک کتابخانه می‌تواند، انجام دهد به عنوان وظیفه آن قلمداد می‌کنند. این نوع نگرش تأثیر سوء خود را در هنگام دریافت امکانات، اختصاص ردیف‌های شغلی به افراد متخصص و یا علاقه‌مند نشان می‌دهد. اگر کسی دانش و یا انگیزه لازم برای انجام کار پویا و فعال را در کتابخانه نداشته باشد، کتابخانه به انبار کتابی تبدیل می‌شود که تنها کتاب امانت می‌دهد. هنگامی که ما متن کامل مقالات طرح‌های پژوهشی اساتید را از شبکه اینترنت گرفتیم و فهرست مآخذ پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد را تدوین کردیم، مسئولان اظهار تعجب کردند از اینکه واحد کتابخانه قادر به انجام چنین کارهایی است. در حالی که علاوه بر امانت دادن کتاب که تصویر کلیشه‌ای از کتابخانه است، نقش‌ها و وظایف گسترده‌تری نیز در صورت وجود امکانات توسط کتابخانه قابل اجراست. درک جایگاه کتابخانه در دانشگاه‌ها هنوز جای تأکید دارد.

حافظیان رضوی: از آقای حسن درخشان درخواست می‌کنم در مورد امکاناتی که کتابخانه‌های دانشگاه‌های فنی و صنعتی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند، توضیح دهند.

درخشان: مسایلی که دوستان عنوان کردند در همه کتابخانه‌ها به چشم می‌خورد. من از این فرصت استفاده می‌کنم و در مورد امکانات و سرویس‌هایی که کتابخانه دانشگاه علم و صنعت در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد، صحبت می‌کنم. خوشبختانه مسئولان قبلی و فعلی دانشگاه علم و صنعت توجه ویژه‌ای به منابع کتابخانه‌ای این دانشگاه داشته‌اند. در سال‌های اخیر برای جلب رضایت دانشجویان تا جایی که ممکن است بوروکراسی مربوط به ثبت نام، امانت گرفتن و تصفیه حساب کردن در زمینه کتاب را کاهش دادیم. برای مثال در هنگام ثبت نام دانشجویان تمام اطلاعاتشان وارد رایانه می‌شود. پس بلافاصله می‌توانند به کتابخانه مراجعه و از منابع استفاده کنند. هم‌چنین منابع چاپی در حال تبدیل شدن به منابع الکترونیک است. سرویس دهی نیز به صورت الکترونیک است.

برای مثال تمام پایان‌نامه‌ها از دو سال گذشته به شکل الکترونیک ارائه می‌شود و هیچ نسخه چاپی در کتابخانه مرکزی نگهداری نمی‌شود. این نوع سرویس دهی از کیفیت بالایی برخوردار است در حالی که نگهداری صورت چاپی آنها هم فضای زیادی را اشغال می‌کند و هم مشکلات نگهداری و امنیت منابع زیاد است، به خصوص در زمینه ژورنال‌ها به سمت الکترونیک کردن منابع پیش رفته‌ایم. در حدود ۱۵ هزار منبع چاپی را با توجه به اولویت‌هایی مانند دایرةالمعارف‌ها، منابع سال‌های اخیر، Hand books، مجلات متفرقه‌ای که دارای ارزش علمی است، ولی تسلسل ندارد را به صورت الکترونیک در آورده‌ایم. نتیجه اقدامات صورت گرفته در سال‌های اخیر، افزایش رضایت دانشجویان بوده است.

حافظیان رضوی: با توجه به سخنان آقای درخشان، به نظر می‌رسد نهضتی در محیط‌های دانشگاهی برای بهبود وضعیت کتابخانه‌ها و کتابداری شکل گرفته است. از یک طرف دانشجویان با وظایف کتابخانه آشنا شده و از طرف دیگر کتابخانه‌ها به مسئولیت خود نسبت به دانشجویان آگاه شده‌اند.

مسأله دیگر کتابخانه‌های تحقیقاتی است. منظور از کتابخانه تحقیقاتی، کتابخانه‌ای است که در خدمت دانشجویانی قرار دارد که حتی پس از پایان تحصیلاتشان نیز به دنبال تحقیق هستند. در واقع جویای دانش هستند و با گرفتن مدرک، کارشان به پایان نمی‌رسد. این دانشجویان نیازمند امکاناتی است که بتواند به تحقیقاتش ادامه دهد. در حال حاضر کتابخانه‌های تحقیقاتی در چه وضعیتی قرار دارند؟ آقای دکتر رادباوه، مدتها بعنوان معاون اطلاعات علمی و فنی در مرکز تحقیقات مهندسی جهاد سازندگی حضور داشتند. این مرکز امروزه به پژوهشگاه مهندسی تبدیل شده است و از پژوهشکده‌های بسیار مؤثر کشور است. از ایشان در خواست می‌کنم در مورد وضعیت کتابخانه‌های تحقیقاتی کشور توضیح دهند.

رادباوه: در زمینه کتابخانه‌های تحقیقاتی باید بگویم که قطعاً این کتابخانه‌ها وابسته به سازمان مادر هستند. هنگامی که از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران صحبت می‌شود قطعاً نهاد دانشگاه تهران وجود دارد و هنگامی که از کتابخانه‌های تحقیقاتی و تخصصی نیز صحبت می‌شود باید سازمان‌های تحقیقاتی در کشور موجود باشد.

در واقع تاریخ تولد کتابخانه‌های تحقیقاتی به زمان جنگ جهانی دوم و زمان جدا شدن علوم از یکدیگر برمی‌گردد. به نوعی تجارب سال‌های جنگ در محیط‌های دانشگاهی و تحقیقاتی ثبت و مستند شد تا در آینده بتوان از این تجارب استفاده کرد. در محیط‌های تحقیقاتی هنگامی که کتابخانه‌ای شکل می‌گیرد، من به جمله‌ای از «چارلز هنری» اشاره می‌کنم. وی در کتاب «عصر سنت‌گریزی» می‌نویسد: عصر سنت‌گریزی به معنای این است که هر آنچه رنگ و بوی سنت دارد نباید دور ریخته شود و از آن فرار کرد. یکی از ایرادات وارد به کتابخانه‌های تحقیقاتی و دانشگاهی این است که ما دوره گذار را سپری نکردیم. در دوره سنتی نیز درست عمل نکردیم. بحث طرح‌های امانت بین کتابخانه‌ای که در کشور مطرح شد، اما به علت مشکلات ناشی از انقلاب، جنگ و سازندگی عملاً اجرا نشد.

در چند سال اخیر بحث اتحادیه کتابخانه‌های دانشگاهی، شورای هماهنگی کتابخانه‌های دانشگاهی کنسرسیوم کتابخانه دانشگاهی و غیره مطرح شده است. نقطه مشترک همه این طرح‌ها که هنوز به همه آنها دست نیافته‌ایم، بحث فرهنگی است. بر اساس جدیدترین آمار oclc در حال حاضر ۶۹۲۸ کتابخانه با صد زبان مختلف دنیا از ۸۰ کشور را به هم پیوند داده است. این کار در طول ۴۰ سال گذشته انجام شده است. این شبکه، دارای شبکه فرعی به نام Word cat است که از عنوان کاتالوگ گرفته شده و بیش از ۹ هزار مؤسسه عضو آن است.

این آمار را می‌توان با مبحث امانت بین کتابخانه‌ای در ایران مقایسه کرد.

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران همزمان با JICST ژاپن و INSDOC هند دایر شده است. ولی هر جا صحبت از شبکه‌های بین‌المللی تحویل مدارک می‌شود، اینستاک هند را نمی‌توان نادیده گرفت. اما چرا مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران نتوانست به این حد برسد؟

تا این جای جلسه دوستان حاضر نیمه پر لیوان را در نظر گرفتند و از هم تعریف کردند، ولی آیا مشکلات ما در کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی پذیرفته است؟ قطعاً خیر. آقای دکتر ضیایی بحث دسترسی *accessibility* به جای *Ownership*، امروز وظیفه اصلی ماست، ولی چرا نمی‌توانیم به آن عمل کنیم؟ علت چیست؟ آیا علت این است که رئیس کتابخانه مرکزی فلان دانشگاه دکترای دندانبپزشکی دارد؟ قطعاً چنین نیست. من ۲۰ سال است که کتابدار هستم و می‌دانم که یکی از مشکلات اساسی به خود کتابداران برمی‌گردد، زیرا کتابداران نمی‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند. همه ما با *BL* آشنایی داریم. *BL...؟* روزانه ۱۶ هزار درخواست از سراسر دنیا را پاسخ می‌دهد. آیا این آمار با آمار ما قابل مقایسه است. در دهه ۷۰، مبحث مطلوبیت مطرح شد. مطلوبیت به معنای کیفیت کارکنان، مجموعه، فضا، امکانات و تجهیزات است. آیا ما به این مطلوبیت دست یافته‌ایم؟ در صورت دست یافتن به این حد، می‌توانیم بحث تصمیم‌مدرک و همکاری بین کتابخانه‌ای را مطرح کنیم. توجهی که همه کتابخانه‌های مرکزی در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های مراکز تحقیقاتی به پایان نامه‌ها می‌توانند داشته باشند، مورد غفلت قرار گرفته است. تصور ما این است که اگر به سراغ بخش پیشنهادات پایان‌نامه‌های دانشجویی برویم، باعث کسر شأن است. یکی از معضلات

پورتالی:
درک جایگاه کتابخانه
در دانشگاه‌ها هنوز
جای تأکید دارد



رادباوه:

یکی از ایرادات وارد به کتابخانه‌های تحقیقاتی و دانشگاهی این است که ما دوره‌گذار راسپری نکردیم. در دوره سنتی نیز درست عمل نکردیم. بحث طرح‌های امانت بین کتابخانه‌ای که در کشور مطرح شد، اما به علت مشکلات ناشی از انقلاب، جنگ و سازندگی عملاً اجرا نشد

اساسی کشور ما، بحث ادغام‌ها، انحلال‌ها و تغییر مدیریت هاست.

اگر کتابخانه کنگره ملی آمریکا را با کتابخانه ملی کشورمان مقایسه کنید، درمی‌یابید که تغییر مدیریت در کتابخانه ملی ما به چه سرعتی صورت می‌گیرد. ما در جلساتی شبیه به این حرف‌های زیادی می‌زنیم انجمن کتابداری ایران باید چنین مباحث را پیگیری کند و برای این کار کمیسیون‌هایی تشکیل دهد. انجمن کتابداری به عنوان متولی حرفه کتابداری باید از ریش سفیدان و افراد با تجربه در زمینه کتابداری بهره‌گیری و از آنها برای همکاری دعوت کند. میدان دادن به جوانان خوب است، ولی با چه ایده‌ای؟ جوانان چقدر می‌توانند کار کنند و افراد مسن تا چه حد از آنها حرف شنوی دارند؟ من در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه‌ام در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان تعیین نشریات ادواری لاتین هسته مراکز و مؤسسات تحقیقاتی تحت پوشش معاونت آموزش و تحقیقات وزارت جهاد سازندگی و مطالعه هزینه و سودمندی آنها دفاع کردم. این مراکز عبارت‌اند از: مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی با بیش از ۶۰ سال سابقه، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، مؤسسه تحقیقات و آموزش شیلات، مرکز تحقیقات مهندسی جهاد سازندگی و مؤسسه تحقیقات دامپروری. ۳۵۴ عنوان مجله را که طول دو سال منتشر شده بود، مورد بررسی قرار دادم.

قیمت‌ها و فاکتورهای آن را محاسبه و بررسی کردم. میزان استفاده‌ها بر اساس خدمات فتوکپی مشخص شد و من به این نتیجه رسیدم که بیش از هفتاد درصد مجلات لاتین داخل کشور حتی یک بار هم مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

پس چرا اقدام به اشتراک مجلات می‌شود؟ در سال ۱۳۷۶ پول اشتراک مجلات سال ۱۳۷۷ پرداخت شده بود، پس نمی‌شد از نتایج این تحقیقات استفاده کرد. در سال ۱۳۷۹ نیز وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی ادغام شد و این پایان نامه در قفسه کتابخانه خاک خورد.

نکته قابل توجه در کتابخانه‌های تحقیقاتی این است که تغییرات مکرری در مراکز تحقیقاتی رخ می‌دهد. گاه پنج گروه تحقیقاتی در یک مرکز تحقیقاتی فعالیت می‌کند و پنج معاونت تحقیقاتی داریم.

گاه ستاد و صف قابل مقایسه نیستند. تعداد گروه‌های ستادها از گروه‌های صف بیشتر است. در حالی که عکس این مطلب باید حاکم باشد. این روند بهبود نمی‌یابد، الا زمانی که مدیران کلان مجموعه اقدام کنند. پژوهشگاه پلیمر یکی از مؤسسات تحقیقاتی بود که تبدیل به پژوهشگاه شد.

من مطمئنم که اگر آقای «دکتر میرزاده» از ریاست آن پژوهشگاه کنار گذاشته شود، این مجموعه با شکست مواجه می‌شود. چرا مجموعه‌های ما قائم به فرد هستند؟ این سئوالی است که مسئولان رده بالای مملکت باید به آن پاسخ دهند.

حافظیان رضوی: آقای دکتر رادباوه به نکات مهمی اشاره کردند. آقای ضیایی توضیحاتی دارند که خواهش می‌کنم بیان کنند.

ضیایی: البته آماری که ما ارائه می‌کنیم قابل مقایسه با BL نیست. یک سوم است. ما در مدت پنج سال به این آمار دست یافته‌ایم. پس قابل تأمل است.

امروزه می‌توانیم ادعا کنیم که تالار مرجع کتابخانه مرکزی حاوی کتب لاتین و فارسی به روز است و دانشجویان کتبی را که در پشت ویتترین مغازه‌ها می‌بینند، می‌توانند در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد تقاضا و به امانت بگیرند؛ پس ما در این مسیر به حرکت ادامه خواهیم داد. اگر ما در روند مقایسه خود با دیگران ایده‌آلی را در نظر بگیریم که قبل از رسیدن به آن ایده‌آل اظهار تأسف داشته باشیم، بالطبع هیچ‌گاه نباید حرکت کنیم.

یکی از نظریه پردازان مدیریت بحثی در مورد «حد کفایت» دارد. اگر ما به حد کفایت افراد بسنده کنیم، آن‌گاه نقش مدیریتی خود را گم کرده‌ایم. در تئوری‌های رفتار، نظریه‌ای در مورد رفتار گروهی وجود دارد. پایه این تئوری بر مبنای دانش است. برای رسیدن به رفتار گروهی ما نباید یکدیگر را حذف کنیم، بلکه باید با یکدیگر همکاری کنیم و نیمه پر لیوان را ببینیم.

ما حد کفایت کتابخانه مرکزی را بیش از این دیدیم، برنامه بلند مدت و استراتژی تدوین و تاکتیک‌هایی برای رسیدن به آن طراحی کرده‌ایم. آمارها خود گویا هستند. من فکر می‌کنم از نظر بهره‌وری از BL هم جلوتر



داودزاده:

جابه‌جایی این فرصت را فراهم می‌کند که شکاف بین منابع را می‌توان پر کرد و سیاست‌های وجین را تدوین کرد. فهرست منابع جدیدی که باید به کتابخانه افزوده شود و پیش‌بینی ۵، ۱۰ و ۱۵ ساله را می‌توان در مورد منابع اعمال کرد

هستیم. باید مقایسه کرد که چه امکاناتی در اختیار BL و چه امکاناتی در اختیار ماست؟ در مورد مسأله مدیریت نظر من اداره کتابخانه توسط کتابدار و یا غیر کتابدار نیست. ساده‌ترین تعریف مدیریت، انجام کار و به وسیله دیگران است و یا در تعریف دیگری هم می‌گویند علم است و یا هنر. علم شناخت اجزا و هنر به کارگیری اجزاست. ما اگر در بعد زمان پیشرفت را در نظر بگیریم، به پیشرفت فن‌آوری پی می‌بریم. تنها چیزی که از فن‌آوری روز عقب مانده است، رفتار است. شکاف بین رفتار و فن را چه کسی باید پر کند؟ شکاف را مدیریت باید پر کند.

از آنجاکه در سیستم کتابخانه‌ای ما هنوز فرهنگ کار گروهی وجود ندارد، شاید متخصص بهتر بتواند این شکاف را پر کند. چون به این سمت نرفته‌ایم، معتقدیم که باید متخصص بگذاریم، ولی اگر کسی رشته‌ای جز کتابداری خوانده باشد، ولی فهم و درک کار گروهی و استفاده از ساختارهای منقطع را بلد باشد، می‌تواند کتابخانه را اداره کند. زیرا از متخصص بهره می‌گیرد. در آنجا از علم شناخت اجزا و هنر به کارگیری اجزا استفاده می‌کند. با فرهنگ حاکم بر جامعه به سمت فرهنگ کار گروهی برویم و با اصول مدیریت بیشتر آشنا شویم، نمی‌توانیم از غیر متخصص در کار کتابخانه استفاده کنیم.

پس قرار دادن متخصصان در مدیریت کتابخانه‌های دانشگاهی برای پرکردن شکاف بین رفتار و تکنولوژی است، ولی اگر به سمت کار گروهی پیش برویم، غیر کتابدار هم می‌تواند کتابخانه را به خوبی اداره کند و این فلسفه وجودی علم مدیریت است که بتواند از اجزا استفاده مناسب کند.

البته باید روند حرکت خود را به سمت رسیدن به استانداردهای جهانی ادامه دهیم. ولی اذعان دارید که بسیار نسبت به گذشته خوب حرکت کرده‌ایم. من از متخصص بهره گرفتم و متواضعانه هم بهره گرفتم. در جمع و با جمع بوده‌ام و از جمع بهره گرفتم و شاید رمز موفقیت کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد در سال‌های اخیر این بوده است.

حافظیان رضوی: یکی از مسایل دیگر جابه‌جایی کتابخانه‌ها و انتقال آنها به مراکز وسیع‌تر و جدیدتر است. در حال حاضر ساختمان‌های کتابخانه ملی ایران در حال انتقال به یک مکان واحد است. این کار نیازمند تمهیدات و تصمیم‌گیری‌های ویژه‌ای است. از جناب آقای داودزاده درخواست می‌کنم در این مورد توضیح دهند.

داودزاده: پیش از پاسخ به سؤال شما به چند نکته به صورت خلاصه اشاره می‌کنم. در تأیید صحبت‌های دوستان حاضر در باب آموزش باید بگویم که صرفاً آموزش دانشجویان نباید مد نظر قرار گیرد. با توجه به دگردیسی‌هایی که در زمینه تکنولوژی‌های اطلاعاتی رخ داده است، لازم است کارکنان و اعضای تخصصی کتابخانه‌ها نیز از آن بهره‌وری لازم را ببرند. چرا که آنان گردانندگان اصلی این امر هستند.

پایان نامه من در مورد جامعه کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران بود. امکانات همه کتابخانه‌ها در مراکز اطلاع‌رسانی یکسان نیست. من در بررسی‌هایی که انجام دادم، هم نیمه خالی لیوان و هم نیمه پر آن را نشان دادم. در تحقیقاتم از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و پیمایش استفاده کردم.

کارکنان کتابخانه‌های مورد بررسی بیش از ۵۰ درصد از امکانات موجود استفاده نمی‌کردند. به عقیده بنده کارکنان کتابخانه باید از آموزش‌های لازم برای بهره‌مندی از امکانات آگاه شوند و مدیران کتابخانه‌ها باید چنین امری را تشویق کنند. به هر حال می‌توان از ظرفیت‌های موجود استفاده‌های مناسب‌تری نمود.

بحث جابه‌جایی کتابخانه‌ها کار ساده‌ای به نظر می‌رسد، و گاهی به آن همانند کار یدی نگریده می‌شود. در چندین مورد برای جابه‌جایی کتابخانه‌ها از من دعوت شد و من شاهد آن بودم که در پنج روز یک کتابخانه جابه‌جا شده بود، در حالی که این کار نیازمند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و مطالعات مقدماتی است.

در روند جابه‌جایی چندین کتابخانه در خدمت آقای حافظیان و چند دانشگاه بوده‌ام. این کارها را با تهیه طرح تحقیق و انجام کار مطالعاتی ۳۰۰ ساعته شامل تعیین اهداف جابه‌جایی، فایده، دسترس‌پذیری، مستندسازی، نقشه‌کشی و غیره انجام داده‌ام. نکات ظریفی در جابه‌جایی کتابخانه وجود دارد که از توانایی یک مهندس معمار و یا شرکت باربری خارج است. کتابخانه‌هایی که ۵۰ یا ۱۰۰ هزار کتاب دارد. اگر شلف آن به هم بریزد، مرتب کردن کتاب‌ها مدت‌ها زمان می‌برد. مضاف بر این جابه‌جایی این فرصت را فراهم می‌کند



افکاری:

افتخار دانشگاه تهران و کتابخانه مرکزی این است که هنوز پس از سال‌ها که از بنیان‌گذاری و اهدای مجموعه سید محمد مشکات به دانشگاه تهران که منجر به پایه‌گذاری کتابخانه مرکزی شد، می‌گذرد، سالانه ۵۰ میلیون تومان را صرف خرید نسخ خطی می‌کند

که شکاف بین منابع را می‌توان پر کرد و سیاست‌های و جین را تدوین کرد. فهرست منابع جدیدی که باید به کتابخانه افزوده شود و پیش‌بینی ۵، ۱۰ و ۱۵ ساله را می‌توان در مورد منابع اعمال کرد. در هنگام جابه‌جایی می‌توان اجرا کرد. کتابداران در مورد مقولاتی مانند تجهیزات چوبی، فایبرگلاس و آردشوند و از حوزه تخصصی به این موارد توجه کنند. از لحاظ جذاب ساختن فضای کتابخانه نیز باید امکاناتی را در روند جابه‌جایی کتابخانه در نظر گرفت. متأسفانه به بحث‌های روان‌شناسی در محیط کتابخانه‌ها توجه کافی نمی‌شود و این امر به کسانی واگذار می‌شود که از این مباحث آگاهی ندارند. باید برنامه‌ریزی درستی در این زمینه صورت گیرد. مراحل انتقال و کدگذاری نشریات فارسی، کتاب‌های فارسی و لاتین برای جابه‌جایی و انتقال باید آموزش داده شود. خوشبختانه در مرحله‌ای که من کار جابه‌جایی کتابخانه را انجام دادم، از روند جابه‌جایی فیلم برداری نموده‌ایم و مستند کردیم تا امکان آموزش آن فراهم شود.

در یک مرحله از جابه‌جایی و انتقال ۵۰ هزار نسخه کتاب که به معنای ۳۰ بار خاور است، به نیروی کارگر ساده آموزش دادیم که چگونه کتاب‌ها را بار ماشین و چگونه از ماشین خالی کند.

صرف هزینه در این مرحله بسیار مهم است. به نظر من این مسأله جابه‌جایی کتابخانه برای همه کتابداران وجود دارد. خصوصاً کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها که به لحاظ افزایش فضای رشد مجموعه ناگزیر به جابه‌جایی هستند. کتابخانه‌هایی که در طبقه چهارم یک ساختمان ده طبقه قرار دارند برای جابه‌جایی دچار مشکلات و هزینه زیادی خواهند شد. در حالی که از متخصص فن کتابداری در هنگام ایجاد کتابخانه نظر خواهی می‌کردند، کتابخانه هیچ‌گاه در طبقه چهارم قرار نمی‌گرفت. این کار باعث افزایش هزینه و ایجاد وقفه در راه‌اندازی مجدد کتابخانه خواهد شد. امید است که کتابداران به این زمینه‌ها بیشتر توجه کنند تا سرویس‌دهی مطلوب‌تری را داشته باشند.

حافظیان رضوی: مسأله‌ای که به آن اشاره شد از چالش‌های عمده مدیریتی کتابخانه‌هاست.

من امیدوارم به نتایج این کارها توجه شود. خانم افکاری کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی ما چگونه می‌توانند کتاب‌ها و نسخ خطی موجود در کتابخانه‌ها را حفظ کنند و به غنای آن بیفزایند؟ افکاری: با تشکر از جناب عالی که در این بحث خاص جایگاهی نیز به بحث نسخ خطی اختصاص دادید. همان‌گونه که آقای دکتر ضیایی به عنوان مدیر یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های کشور اشاره کردید، تصور من بر آن است که نوع نگرش مدیر یک کتابخانه، نوع مجموعه‌سازی، سطح مجموعه‌سازی، سطح آموزش و سطح سرویس‌دهی آن کتابخانه را مشخص می‌کند. طبیعتاً در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کارشناسان، مدیران و مدیریت دانشگاه تهران در درجه اول حفظ و نگهداری مجموعه نسخه خطی کتابخانه مرکزی و سپس سرویس‌دهی مناسب به متخصصان آن و نیز گردآوری و خرید مجموعه‌های موجود نزد افراد، کتابخانه‌ها و بخش‌های خصوصی است.

افتخار دانشگاه تهران و کتابخانه مرکزی این است که هنوز پس از سال‌ها که از بنیان‌گذاری و اهدای مجموعه سید محمد مشکات به دانشگاه تهران که منجر به پایه‌گذاری کتابخانه مرکزی شد، می‌گذرد، سالانه ۵۰ میلیون تومان را صرف خرید نسخ خطی می‌کند.

استاد برجسته و محققان بزرگ نسخ خطی هنوز به این کتابخانه مراجعه می‌کنند. مجموعه‌های نفیسی هنوز به لطف حضور نسخه‌شناس برجسته کشور، استاد ایرج افشار برای اهدا و فروش به کتابخانه آورده می‌شود و با تقدیم و خرید آنها هر روز به غنای کتاب‌های خطی این مجموعه افزوده می‌شود.

در مورد سؤال جناب عالی مبنی بر چگونگی حفظ و سامان‌دهی این مجموعه باید عرض کنم که یکی از بهترین کارهایی که در هر حوزه‌ای به ویژه از کتابداری و نسخ خطی می‌تواند صورت گیرد، تهیه فهرستی است که بتواند خوراک علمی و منابع اطلاعاتی نسخه‌های ناشناخته یا فهرست نشده را در اختیار محققان قرار دهد. این گونه نیست که مراجعان نسخه‌های خطی دانشگاه تهران تنها مصححانی باشند که روی کتاب‌های کهنه و قدیمی یا تاریخ آنها کار می‌کنند. پژوهشگران و متخصصان علوم جدید، محققانی که در حوزه‌های مختلف علوم کشاورزی، ادبیات، هنر و فلسفه نیز هر کدام به نوبه خود از منابع ما استفاده می‌کنند. شاید یکی از مهم‌ترین حمایت‌هایی که مدیریت‌های کتابخانه‌های دانشگاهی، به خصوص دانشگاه تهران و یا سایر کتابخانه‌هایی



حاجی زین العابدینی:
در شرایط گذاری که ایجاد
شده است حالت دو
جانبه‌ای پیدا کرده‌ایم. هم
مجموعه چاپی و هم
مجموعه الکترونیکی را
داریم. پس نگاه کتابداران
و آنهایی که مدیریت
مجموعه را بر عهده دارند
باید معطوف به دو جنبه
باشد

که دارای مجموعه نسخ خطی می‌باشند بتوانند انجام دهند، چاپ و انتشار فهرسی از نسخه‌هایی خطی است که هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند و کمتر در اختیار محققان قرار می‌گیرد. یکی از مشکلات محققان دستیابی و استفاده مستقیم از نسخه‌های خطی است. بعضاً برای بسیاری از آنها امکان استفاده از این نسخ به دلیل وجود قواعد و قوانین خاص که گاه دست و پاگیرتر نیز می‌باشد، فراهم نیست. اما فهرس به سرعت و سهولت در اختیار قرار گرفتن این مجموعه‌ها در نزد محققان کمک می‌کند. دوستان حاضر در جلسه، در مورد آموزش دانشجویان و مراجعان به کتابخانه‌ها صحبت کردند، اما نکته مهم فراموش شده، آموزش مستمر کتابداران است. چرا تنها باید به دانشجویان و یا محققان در مورد نحوه آشنایی با نسخ خطی و چگونگی استفاده آن با توجه به مقررات آموزش دهیم، چرا کتابداری که مدتی است از محیط آکادمیک دور شده است را از علم روز محروم می‌کنیم و امکان تحصیل و تحقیق را برای وی فراهم نمی‌کنیم. بسیاری از کتابداران با تجربه ما حتی در حد کارشناسی ارشد و دکتری شناخت مقدماتی از نسخ خطی و اسناد و میکروفیلم‌ها و نحوه نگهداری و خدمات‌رسانی آن حداقل به عنوان یکی از مواد کتابخانه‌ای که باید از آن آگاهی داشت ندارند.

تمام کتابداران ما به دلیل حساسیت مجموعه‌شان و پاسخگویی به نیاز مراجعان باید به علم روز مسلح شوند. در این راستا برگزاری سمینارها، سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها، کنگره‌ها، ارتباط بخش‌های مستمر کتابخانه با یکدیگر، استفاده از ابزارهای تشویقی برای حمایت کتابدارانی که محقق هستند و یا کتابدارانی که نیاز دارند و علاقه‌مند به آموزش‌های خاص هستند، ضروری به نظر می‌رسد. اگر ما توقع داریم که سطح پاسخگویی و به روز بودن کتابخانه‌ها را ارتقا بخشیم، در درجه اول به کتابداران زبده و دلسوز و آگاه که با استانداردهای جهانی آشنا باشند نیازمندیم. چه کسی باید این کتابداران به روز را تربیت کند و آموزش دهد؟ مسئولیت این امر مهم به عهده کیست؟ انجمن کتابداری، کتابخانه ملی، خود کتابخانه‌ها و یا مدیریت کتابخانه‌ها، کدامیک باید تدابیری برای این کار بیندیشند؟ این مسأله مهمی است که کمتر به آن پرداخته شده است.

مسأله دیگر در راستای سرویس دهی در بخش نسخه‌های خطی و منابع چاپی، ایجاد سایت و Home Page مناسب برای هر کتابخانه است باید پایگاه‌های اطلاع‌رسانی on line جامع و مناسبی داشته باشیم. گاه هنگامی که به سایت کتابخانه‌ها برای بازبایی نسخه‌های خطی مراجعه می‌کنیم، با این پاسخ مواجه می‌شویم که امکان بازبایی نسخه و وجود ندارد یا امکان استفاده هنوز فراهم نشده است. عملاً راجع کور به مراجعه‌کننده داده می‌شود. تفاوت ما با کتابخانه‌های (BL) British library و Bibiothec National این است که سیستم آنها به سرعت به روز می‌شود و بسیار منطقی است. بدون کمترین اتلاف وقت، شما خواهید آموخت که چگونه از منبع و پایگاه اطلاع‌رسانی استفاده کنید و من فکر می‌کنم که ما در این زمینه تا حدی ضعف داریم که البته امکان مرتفع نمودن آن چندان نیز غیرممکن و دشوار نخواهد بود.

حافظیان رضوی: شما به دغدغه‌هایی که مدیران کتابخانه‌ها باید به آن بپردازند، اشاره کردید. پس تنها راه اندازی یک سایت برای هر کتابخانه کافی نیست. بلکه این سایت به مدیریتی احتیاج دارد که مرتب آن را روزآمد کند. از آقای زین العابدینی درخواست می‌کنم در مورد فهرست‌نویسی و سازمان‌دهی منابع کتابخانه توضیح دهند. فهرست‌نویسی با چالش‌هایی در کشور ما روبه‌روست، گاه مدیر کتابخانه، فهرست‌نویسی یک کتابخانه را به یک شرکت واگذار می‌کند. در حالی که روی این امر باید بیشتر از این سرمایه‌گذاری شود. این خدمات باید در کتابخانه مدیریت شود.

حاجی زین العابدینی: در مورد مسأله سازمان‌دهی اطلاعات، اساتید زیادی در این جلسه حضور دارند که به موضوع اشراف بیشتری دارند. مجموعه کتابخانه برای کار برآماده می‌شود. در عصر حاضر کتابخانه تبدیل به درگاهی شده است که همه برای تأمین نیازهایشان به آن مراجعه می‌کنند.

در شرایط گذاری که ایجاد شده است حالت دو جنبه‌ای پیدا کرده‌ایم. هم مجموعه چاپی و هم مجموعه الکترونیکی را داریم. پس نگاه کتابداران و آنهایی که مدیریت مجموعه را بر عهده دارند باید معطوف به دو جنبه باشد. کتابخانه مورد استفاده کاربر باید اطلاعاتش را دسترس پذیر کند. دقیق‌ترین اطلاعات ممکن را در

حاجی زین‌العابدینی:
 به کتابخانه مراجعه کردن
 نیازمند زیرساخت‌هایی
 است که در دوران بچگی
 شکل می‌گیرد و در دوره
 دانشگاه شکوفا می‌شود.
 ما در دانشگاه از یک طرف
 با یک‌سری دانشجویانی
 مواجه هستیم که هیچ
 ارزشی برای کتاب قایل
 نیستند و نیاز به کتاب را
 هنوز حس نکردند و از طرف
 دیگر با مدیریتی مواجه
 هستیم که امکانات لازم را
 در اختیار کتابخانه قرار
 نمی‌دهد

سریع‌ترین زمان ممکن در اختیار کار برقرار دهد.

شگردها و شیوه‌های مختلفی برای این کار در تمام کتابخانه‌ها اجرا می‌شود. بسیاری از شیوه‌ها به نوع نگاه ما برمی‌گردد. آیا ما باید تا آن حد به قواعد فهرست نویسی وفادار باشیم که یادمان برود برای چه این کار را انجام می‌دهیم و یا باید نگاه دیگری را جایگزین آن کنیم، یا به دنبال روش‌هایی باشیم که این اطلاعات را راحت‌تر در اختیار کار برقرار می‌دهد. هدف را اگر افق کار قرار دهیم، همه کارها حول محور آن هدف انجام می‌گیرد و مسلماً یکی از فعالیت‌های اصلی کتابخانه ما همین خواهد بود. باید اصول و قواعد را رعایت کنیم، اما نه تا آن حد که در اصول و قواعد غرق شویم. مجموعه‌ای که این همه برای آن هزینه شده و برای خرید آن وقت صرف شده است، حتی محقق که مطلب و کتاب تولید کرده است، جزء چرخه کتابخانه محسوب می‌شود، زیرا مشتری اصلی کتاب‌ها، کتابخانه‌ها هستند. در نتیجه صنعت نشر در جهان با خرید آنها می‌چرخد.

کتابخانه‌ها محور عمده هستند و کتابخانه جایی است که دسترسی مهم‌ترین اصل است و از ملزومات دسترسی، سازمان‌دهی مناسب و مرتبط با اهداف کتابخانه است. نگاه کردن به تغییر محیط بسیار مهم است. ما مجموعه معمولی داریم که حذف کردن آن نه تنها در ایران که در هیچ‌کجای جهان مطرح نمی‌شود. خیلی اوقات می‌شنویم که چون همه چیز به صورت دیجیتال درآمده و در شبکه موجود است به این مجموعه‌ها نیاز نیست. در حالی که این مجموعه‌ها هم چنان کارکرد خود را دارند و نمی‌توان افراد سالخورده را پای رایانه نشانده و اطلاعات را در اختیارشان نهاد که نه از مطالعه لذت می‌برند و نه استفاده لازم را از کتابخانه می‌برند. این یک بُعد است. بُعد دیگر آنکه در دوران گذر، اطلاعات جدیدی نیز ایجاد می‌شود. دو کاری می‌توان انجام داد: منتظر شویم تا همه چیز اطرافمان را بگیرد و بعد به این فکر بیفتیم که باید چه کنیم و کار بر به ما بگوید که اطلاعات جدیدی ایجاد شده است. راه دیگر فرهنگ‌سازی کتابداران و کتابخانه‌هاست که ما به کاربران امکانات و اطلاعات جدید را نشان دهیم. کتابخانه‌های تحقیقاتی و دانشگاهی دانشجو محور هستند، در حالی که نیازهای دیگری نیز وجود دارد هم کارمندان هم اساتید نیز به کتابخانه نیاز دارند. تا زمانی که اساتید استفاده‌کننده منابع کتابخانه نباشند و کتابخانه محور فعالیت‌هایشان قرار نگیرد، مطمئناً نمی‌توانند دانشجویان خوبی تربیت کنند. برای مثال فرض کنید که با بچه ناقص الخلقه‌ای مواجه هستید و می‌خواهید به او فلسفه بیاموزید. مسلماً این کار امکان‌پذیر نیست. چون ملزومات آن فراهم نیست. دانشجویان دانشگاه‌های ما برای استفاده از کتابخانه تربیت نشده‌اند. نمی‌دانند که این مجموعه به چه درد می‌خورد. اگر بحث آموزش استفاده‌کنندگان را جدی بگیریم و پیگیری کنیم به مسأله سواد اطلاعاتی می‌رسیم. در ACRL پنج استاندارد در زمینه سواد اطلاعاتی مطرح است: تعیین نیاز، انتخاب و دسترسی، ارزیابی و استفاده مؤثر از اطلاعاتی که به دست آورده‌ایم و ارزیابی کردیم و در نهایت رعایت قواعد اخلاقی و قانونی مرتبط با این منابع و مدارک. دانشجویان ما کجای این چرخه هستند. ما هنوز در مرحله اول قرار داریم و نیازمان را تشخیص نداده‌ایم، تا به رفع آن بپردازیم. مهم‌ترین اصل مسأله‌گشایی، تعریف کردن مسأله و به وجود آمدن مسأله است.

مردمی که در صف شیر می‌ایستند، حتماً به نیازشان نسبت به شیر پی برده‌اند، ولی آیا کسی تاکنون در کتابخانه ما را به دلیل نبود منابع و امکانات مورد سؤال قرار داده است؟ خیر.

به کتابخانه مراجعه کردن نیازمند زیرساخت‌هایی است که در دوران بچگی شکل می‌گیرد و در دوره دانشگاه شکوفا می‌شود. ما در دانشگاه از یک طرف با یک‌سری دانشجویانی مواجه هستیم که هیچ ارزشی برای کتاب قایل نیستند و نیاز به کتاب را هنوز حس نکردند و از طرف دیگر با مدیریتی مواجه هستیم که امکانات لازم را در اختیار کتابخانه قرار نمی‌دهد.

پس به این جا می‌رسیم که همه کتابخانه‌های ما مشکل دارند و افرادی هم که در این سیستم پرورش پیدا کنند، همه این مشکلات را به صورت زنجیره و حلقه به دنبال خود دارند.

در حالی که دنیا در حال پیشرفت است، ما هم چنان در حلقه‌ها و زنجیره‌ها گرفتار مانده‌ایم. پرش موجی داریم. از این موج به موج دیگر، بدون اینکه آن را هضم کنیم و به بلوغ برسیم، از این مرحله به آن مرحله



سمیعی:

فردایی هم وجود دارد که در آن خواسته یا ناخواسته دانشجویان نوک پیکان جامعه اطلاعاتی خواهند بود. و قدم به قدم با آن جلو می‌روند. همان‌گونه که نشان دادند حضور فعالی در وبلاگ‌ها، اورکات و غیره دارند. پس کتابخانه‌ها باید به فکر باشند تا در فردایی که روز به روز در حال دگرگونی و رشد است، خود را به‌گونه‌ای تطبیق دهند که بتوانند موقعیت مرکزی خود را به عنوان محور دانش حفظ کنند

جهش می‌کنیم و نتیجه آن عقده‌های شخصیتی است که تبدیل به عقده‌های اجتماعی می‌شود و ما از یک نیاز به نیاز دیگر جهش می‌کنیم. نتایج این وضعیت در کتابخانه‌ها نمود پیدا می‌کند. بسیاری از منابع و مجلاتی که مسئولان کتابخانه‌ها با خون دل و مشقت آن را تهیه می‌کنند، بدون اینکه مورد استفاده قرار گیرد، انبار می‌شود. ما در دانشگاه‌ها واحد ارتباط با صنعت را داریم. دانشجویان کتابداری از ما گلایه می‌کنند که به کتابخانه‌ها برای کارآموزی مراجعه کرده‌اند، ولی بر خوردهای نامناسبی با آنها صورت گرفته است. در حالی که این دانشجویان را نباید جدا از مجموعه دانست. این افراد ادامه کار کتابخانه هستند و در آینده باعث تداوم و ارتقا کار کتابخانه خواهند شد. امیدواریم در ادامه جلسه به این مسأله هم اشاره شود.

سمیعی: من به آینده کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و جایگاه کتابخانه‌ها در جامعه دانایی محور اشاره می‌کنم. ما باید به فکر آینده کتابخانه‌های دانشگاهی نیز باشیم و همان‌گونه که جناب آقای عمرانی فرمودند و دوستان نیز تصدیق کردند باید به فکر فردای کتابخانه‌ها نیز باشیم. در واقع هنگامی که دنیای دیجیتال در دهه ۹۰ شروع به رشد نمود، همه به این فکر فرو رفتند که تمام مظاهر غیر دیجیتال در معرض نابودی است. سمینارهای زیادی برگزار شد و حرف‌های گوناگونی در مورد کتابخانه‌ها، کتاب فروشی‌ها، سینماها و غیره مطرح گردید.

مدتی بعد مشخص شد که دنیای دیجیتال در خدمت دنیای غیر دیجیتال قرار می‌گیرد و می‌توان به خوبی از آن بهره گرفت. به عنوان نمونه مخاطبان سینما در کشورهای توسعه یافته روز به روز افزایش می‌یابد. با اینکه ابزارهای نمایش خانگی افزایش یافته و با کیفیت بالا در اختیار همه قرار گرفته است، ولی سینماها جایگاه خود را محکم تر کرده است.

هم چنین در مورد کتابخانه‌ها، کتابخانه BL که بحث آن مطرح شد در سایش سرویس‌های گوناگونی را ارائه می‌کند که بسیار عالی است. فردایی هم وجود دارد که در آن خواسته یا ناخواسته دانشجویان نوک پیکان جامعه اطلاعاتی خواهند بود. و قدم به قدم با آن جلو می‌روند. همان‌گونه که نشان دادند حضور فعالی در وبلاگ‌ها، اورکات و غیره دارند. پس کتابخانه‌ها باید به فکر باشند تا در فردایی که روز به روز در حال دگرگونی و رشد است، خود را به‌گونه‌ای تطبیق دهند که بتوانند موقعیت مرکزی خود را به عنوان محور دانش حفظ کنند. ما نیازمندیم تا در این زمینه تئوری پردازی کنیم. بدین ترتیب به خوبی می‌توانیم مشکلات مان را بیان کنیم، ولی باید بتوانیم این مشکلات را به‌گونه‌ای حل کنیم. کتابخانه‌ها در شنبه و یکشنبه در ایالات متحده جای خالی ندارند. ولی در کشور ما وضعیت این‌گونه نیست. چه کنیم که به این سمت پیش برویم؟ در این عرضه ناگفته‌های زیادی وجود دارد و باید سعی کنیم با تجارب دوستان این خلأ را پر کنیم و برای آن راهکار ارائه کنیم و از مجموعه‌های کوچک به مجموعه‌های بزرگ تری تعمیم دهیم.

عمرانی: مطالبی که مطرح شد، مجموعه‌ای از سرفصل‌ها را تشکیل داد. آن قدر مطلب زیاد بود که روی هیچ کدام از مطالب نتوانستیم به صورت عمیق صحبت کنیم. من یک سرفصل جدید به این مجموعه اضافه می‌کنم. این سرفصل را با مدیریت کلان در وزارت علوم با مدیریت‌هایی پایین تر مقایسه می‌کنم.

مدیریت کلان وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری در مورد کتابخانه‌های دانشگاهی مخصوصاً در حوزه بسیار مهم اشتراک منابع در عصر دسترسی به اطلاعات، دارای دوسازمان است. یکی فهرستگان کتب لاتین کشور است که سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی آن را منتشر می‌کند و به هیچ وجه فهرستگان به روز و مناسبی نیست. دیگری در مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، با عنوان فهرستگان مجلات لاتین منتشر می‌شود که آن هم به روز نیست. اخیراً کتابخانه علوم منطقه‌ای فهرستگان کتب فارسی را تدوین کرده‌اند. من به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیشنهاد می‌کنم که از هم اکنون به فکر سازمان جدیدی باشند تا اگر روزی نیاز شد فهرستگان مجلات فارسی کشور تدوین شود، مدیریتی برای آن در نظر گرفته شود.

این مدیریت پر تشدد در سطح وزارتخانه علوم ناشی از این است که مدیریت ما سیستمی نیست. البته این خاص وزارت علوم نیست و در همه جا حاکم است.

این نشان دهنده مدیریت ضعیف در کل کشور در رابطه با کتابداری و اطلاع‌رسانی با منابع قوی انسانی و مادی است. در برابر این مدیریت کلان که از بالا تصمیم می‌گیرد و پر تشدد است، از پایین کتابخانه‌های

دانشگاهی ایران تلاش بسیار وسیعی را از سال ۱۳۶۸ شروع کرده‌اند و نهایتاً امسال کنسرسیوم کتابخانه‌های دانشگاهی ایران مراحل به ثبت رسیدن را طی می‌کند. این کنسرسیوم یکی از سرفصل‌هایی است که باید به آن پرداخته شود.

کنسرسیوم به نام‌های اتحادیه اطلاعاتی، نیز شهرت دارد. هر چند وزارت کشور به ما امر کرده است که عنوان «کانون اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های دانشگاهی» را به کار ببریم که به نظر من اصلاً اسم مناسبی نیست. ولی به هر حال تجربه اشتراک منابع در سطح وسیع و سازمان‌دهی مشترک تجربه کنسرسیوم‌هاست و کنسرسیوم‌ها در سطح جهانی بسیار رشد یافته‌اند.

در کشورهای آسیایی چندین National Sitelcense داریم. ما بسیار زودتر از این کشورها اقدام به کار کردیم، ولی به علل مطرح شده مانند رفتار جمعی و گروهی که ما به آن نیاز داریم، بسیار ضعیف است. عادات کتابداران یکی از اصلی‌ترین موانع رسیدن به رفتار جمعی است. در بسیاری از موارد محققان و دانشجویان شیوه‌های جدید را پذیرفته‌اند، اما کتابداران به شدت با ما بر سر مالکیت یک مجله خاص بحث می‌کنند. تا سال ۱۹۹۷، بسته و گریخته مقالاتی در مورد کنسرسیوم در مجلات دانشگاهی کتابداری به چشم می‌خورد. از سال ۱۹۹۷ به بعد مجله *Library Consortium Mangement* به عنوان یک مجله اختصاصی در این زمینه منتشر شد.

حافظیان رضوی: به نکته جدیدی اشاره کردید که باید مورد توجه مدیریت کتابخانه‌های تحقیقاتی و دانشگاهی قرار گیرد.

شوشه‌ریز: با اینکه این رشته مشکلات زیادی دارد اگر به گذشته آن بنگریم، متوجه می‌شویم که پیشرفت داشته‌ایم و این امر جای شکرگزاری دارد. دید مدیران تا حد زیادی تغییر کرده است تا حدی شناخت کاملی نسبت به این رشته پیدا کرده‌اند. تا دیروز صف‌های کتاب کار نشده در کتابخانه‌ها بود که حتی شاید سال‌ها طول می‌کشید تا وارد مجموعه شود، امروز به هفته نمی‌کشد، کتاب روز خریداری می‌شود. حداقل در دانشگاه ما مدیران و مسئولان نسبت به کتابخانه حسن نیت داشته‌اند و هر جا نیاز به خرید کتاب بوده است، دریغ نکرده‌اند، ولی مشکلات امروز را می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد. چالش‌های مادی با توجه به تغییر محمل‌های اطلاعاتی، نیاز به تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و پایگاه‌های آن لاین داریم که بودجه ویژه‌ای را می‌طلبد، ما هنوز برای خرید نرم‌افزارها، پایگاه‌ها و منابع اطلاعاتی به صورت محمل‌های غیرجایی در حال کسب بودجه هستیم. چالش دیگر، چالش آموزشی است. جایگاه آموزش، مراجعه‌کنندگان کتابخانه است. به قول «رانگانان» کتابخانه یک مدرسه و کتابداری یک معلم است. اگر مسأله آموزش کتابدار به مراجعه‌کنندگان پیگیری شود، در کنار آن مسأله به روز کردن اطلاعات و مطبوعات کتابدار نیز مطرح می‌شود.

چالش سوم استانداردسازی است. زمانی دغدغه کتابداران، فهرست‌نویسی بود. ولی الان مسایل حل شده و ابزارها تهیه شده است. این مشکلات را نداریم، مگر اینکه فهرست‌نویسی از منابع جدید، اینترنتی و شکل‌های مختلف اطلاعاتی صورت گیرد و استانداردسازی این فهرست‌های جدید از جمله چالش‌های موجود است.

حافظیان رضوی: امیدواریم که این بحث‌ها، نویدبخش باشد. گرایش دانشگاه تهران و به خصوص مدیریت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در مورد استفاده از نیروهای متخصص علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی جای تقدیر دارد.

رادباوه: من چند پیشنهاد دارم. در حال حاضر اساتید دانشگاه‌های مختلف کشور ناگزیرند به سایت‌های مورد نیازشان در اینترنت مراجعه کنند. چون عدم مراجعه آنها باعث عقب ماندنشان از دانشجویان می‌شود. چون جوانان بیشتر با فناوری جدید ارتباط برقرار می‌کنند. از یک طرف استاد به راحتی می‌تواند به ریزمطالب دانشگاه MIT دسترسی داشته باشد. حتی به عنوان یک دانشجو می‌توانم بفهمم در این لحظه کدام استاد در کدام کلاس تدریس دارد و چه واحدی را تدریس می‌کند. اما آیا اساتید ما از کلاس‌هایی که هم‌زمان با کلاس آنها برگزار می‌شود، اطلاع دارند؟ من به واسطه تحقیقی که انجام می‌دهم از چند ماه پیش به سایت‌های

عمرانی:
من به وزارت علوم،
تحقیقات و فناوری
پیشنهاد می‌کنم که از هم
اکنون به فکر سازمان
جدیدی باشند تا اگر روزی
نیاز شد فهرستگان مجلات
فارسی کشور تدوین شود،
مدیریتی برای آن در نظر
گرفته شود

چندین دانشگاه مراجعه کرده‌ام. این سایت‌ها مملو از ارجاع به این سایت و آن سایت است. (لینک) است و در آخر به اطلاعاتی جز تعداد منابع و مراجع دست نمی‌یابیم. پیشنهاد مشخص من به روز کردن سایت کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها و اعمال مدیریت بر محتوای آنهاست.

پیشنهاد دیگر تهیه پورتال‌های موضوعی تخصصی در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها با توجه به گروه‌های آموزشی و مقاطع تحصیلی است و در نهایت تقویت سایت کتابخانه‌ها است.

پورتالی: بحثی که اساتید به صورت جسته و گریخته مطرح کردند، بحث عقب ماندن پرسنل و کارکنان کتابخانه‌ها از تحولات شتابانی است که در عرصه علم و تکنولوژی اتفاق می‌افتد. یک واقعیتی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. کسانی که به صورت تجربی در محیط کتابخانه‌ها اشتغال داشته‌اند و تعدادشان هم کم نیست در مقابل تغییرات به سختی مقاومت می‌کنند و تغییرات را نمی‌پذیرند. حتی از اینکه بستری برای آموزش‌شان فراهم شود، استقبال نمی‌کنند. واقعاً چه باید کرد؟

حافظیان رضوی: این هم چالش بزرگی است. به نظر من باید از جنبه مدیریتی به این مسأله توجه شود. من یکی از چالش‌های مهم در بحث مدیریت کتابخانه را عدم شناخت کتابداران از علم مدیریت می‌دانم.

ضیایی: در بحث مدیریت، سیر پیشرفت شغلی کارمندان، عوامل انگیزشی قبل از ارتقا مطرح می‌شود. چون ما در سازمان از ارتقای شغلی، گردش شغلی و توسعه شغلی استفاده می‌کنیم. این موارد فرد را وادار می‌کند تا خود را برای جابه‌جایی آماده کند. زمانی که سازمان خود پویا نباشد و به شکل ایستاتیک اداره شود، مطمئناً انگیزه‌های آموزش پایین می‌آید. اگر سازمان پویا باشد و رو به جلو حرکت کند، و همان طور که عرض شد تکنولوژی در حال حرکت است، رفتار عقب می‌ماند و پر کردن شکاف برعهده مدیر است. اما اگر سازمان دینامیک (پویا) نباشد، بحث ایجاد انگیزه برای آموزش نیز کم‌کم رو به افول می‌رود. این مسأله به بحث هدف‌گذاری در سازمان برمی‌گردد. ما در بحث‌های منابع انسانی به مبنای ارزشی کارهای خود نپرداخته‌ایم. زمانی بحث برنامه‌ریزی نیروی انسانی مطرح بود، زمانی مدیریت منابع انسانی، و زمانی بحث سرمایه منابع انسانی مطرح می‌شود. افراد سرمایه‌هایی هستند که به مدیران سپرده می‌شوند. مدیران چقدر از این سرمایه‌ها بهره می‌گیرند؟ مدیر تا چه حد سرمایه‌شناس است و چقدر در جهت شناخت سرمایه‌ها حرکت می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «الناس معادن کمعادن الذهب والفضة» انسان‌ها معادنی از طلا و نقره هستند. در آن زمان انسان‌ها طلا و نقره را به خوبی می‌شناختند و به این دلیل مولا علی (ع) اصطلاح معدن را به کار برده‌اند، چون معدن را باید کشف کرد و سپس استخراج نمود. برای استخراج معدن نیاز به ابزار است. برای اینکه منابع انسانی را بتوانیم کشف کنیم باید اول فضا را باز کنیم و سپس نسبت به هویدسازی افراد اقدام نماییم. برای کشف کردن افراد، سیستم باید باز باشد. چون در سیستم بسته تبادل اطلاعات و انرژی صورت نمی‌گیرد و سازمان به سمت انحلال پیش می‌رود. بحث اطلاعات، بحث نگانترپوی و آنتروپوی منفی است. ما نیاز به دریافت داریم. اگر نیاز به دریافت نداشته باشیم، کم‌کم به سمت اضمحلال و رکورد پیش می‌رویم. همه به اطلاعات احتیاج دارند. نوع اطلاعات را افراد باید تعیین کنند. کلاس‌های درس را باز کنیم و به دانشجویان یک منبع معرفی نکنیم به کارمندان اجازه اظهار نظر بدهیم وقتی اجازه اظهار نظر پیدا کنند برای غنای آن به دنبال منابع می‌روند. باید بخشنامه‌هایمان را اصلاح و بهبود روش دهیم. ما از افراد باید در حد توانشان استفاده کنیم. بحث دیگر بحث آموزش‌های ضمن خدمت است. در بحث منابع انسانی، اولین نظام، نظام جذب و سپس بهسازی است. در نظام بهسازی اول افراد ارزشیابی می‌شوند و سپس آموزش داده می‌شوند. تعریف ما از ارزشیابی چیست؟ آیا ارزشیابی جز مچ‌گیری برای خودمان تعبیر کرده‌ایم. در حالی که ارزشیابی به معنای شناخت کاستی‌های آموزش است. توجه کنید که چگونه تعریف غنی منابع تئوریک را در سازمان از بین برده‌ایم. ارزشیابی را به فصل تصفیه حساب مدیران با کارمندان تبدیل کرده‌ایم. ما دو نوع آموزش باید داشته باشیم. آموزش‌های قبل از ورود به خدمت و آموزش‌های بعد از ورود به خدمت کدامیک از مدیران بحث جامعه‌پذیری کارمندان را رعایت می‌کنند؟ اگر روز اول کارمند تازه وارد را با همه واحدها آشنا کنیم او احساس غنا پیدا می‌کند و ارتباطاتش را با سایر بخش‌ها توسعه می‌دهد. در آن هنگام نیاز به آموزش در او شکل می‌گیرد. در مورد دانشجویان باید بگوییم که دو سال است که هیچ دانشجوی تازه‌واردی را قبل از آموزش

رادباوه:

پیشنهاد دیگر تهیه

پورتال‌های موضوعی

تخصصی در کتابخانه‌های

مرکزی دانشگاه‌ها با توجه

به گروه‌های آموزشی و

مقاطع تحصیلی است و در

نهایت تقویت سایت

کتابخانه‌ها است

عضو کتابخانه مرکزی نکرده‌ایم.

دو سال است که در تالار علامه امینی، حدود ۳۵ کلاس برگزار می‌کنیم و برنامه کلاس‌های توجیهی را از شهر یورما به همه دانشکده‌ها اعلام می‌نماییم. در سال گذشته حدود پنج هزار دانشجوی به دانشگاه تهران راه یافتند که تمام آنها اگر از کلاس‌های آموزشی استفاده کردند، بارکد کتابخانه مرکزی را دریافت نمودند، در غیر این صورت عضو کتابخانه مرکزی نیستند.

این آموزش‌ها در زمینه‌های مختلف صورت می‌گیرد. علوم قدیم کتابداری، استفاده از برگه‌دان و علوم جدید کتابداری، استفاده از سایت‌ها و اینترنت و شبکه‌های مکانیزه را تفهیم می‌کند و یا هر دو را در کنار هم می‌آموزیم.

هم مسئولان اطلاع‌رسانی در این کلاس‌ها حضور دارند و هم مسئولان گردش و امانت و هم سایر دست‌اندرکاران مربوطه هر دانشجویی حداقل دو ساعت آموزش می‌بیند و سپس به برگه‌دان‌ها برای استفاده مراجعه می‌کند. هم چنین به نحوه کار سیستم‌های جست‌وجو آشنا می‌شوند و سپس به عضویت کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران درمی‌آیند.

پس هم می‌توان در کارمند و هم در دانشجو ایجاد انگیزه کرد. دانشجویان در مقابل این روند مقاومت‌های زیادی انجام دادند و از ابزارهای مختلف جهت عدم حضور در کلاس توجیهی بهره گرفتند تا در کلاس حضور نیافتند عضو کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد نشدند. ما کلاس‌ها را با ظرفیت ۳۰۰-۴۰۰ نفر با سیستم مدار بسته و با استفاده از ویدیو پروژکشن؟ و رایانه در تالار علامه امینی برگزار می‌کنیم.

در مورد کارکنان نیز چنین می‌کنیم. در حال حاضر همه پرسنل کتابخانه مرکزی دوره ICDL و چهار دوره تکمیلی آن را نیز گذرانده‌اند و سه دوره دیگر را نیز باید بگذرانند و اگر همکاری نیاز آموزشی را منتقل نماید با هماهنگی مسئول قسمت در حد امکان اقدام می‌کنیم. هم چنین در مورد حضور در سمینارهای خارج از کشور نهایت استقبال و همکاری را داریم، به عنوان نمونه سرکار خانم افکاری است که دو سال پیایی در کشورهای خارجی ارائه مقاله داشتند که با رفتن ایشان موافقت و همکاری شده است. پس ما می‌توانیم در این راستا حرکت کنیم، البته اگر با همکاران مان ارتباط برقرار کنیم.

داودزاده: با تشکر از آقای دکتر ضیایی که شکاف مورد نظر را پر کردند، اما چالش محوری کتابخانه‌ها بر اساس تحقیقاتم به سه چالش عمده دست یافتیم. در مدیریت، اکثر مدیران کتابخانه‌ها در مسأله تغییر از یک محیط به محیط دیگر و با اشکال دیگر دچار ترس، تردید و مشکل هستند. از باب آموزش نیروی انسانی نیز مدیریت با چالش‌هایی مواجه است که بایستی هم از لحاظ استفاده‌کننده و هم از لحاظ کارکنان این چالش‌ها را حل کند و از لحاظ سازمانی به ویژه دچار مشکلات زیادی هستند که بایستی در این زمینه‌ها بیشتر کار شود.

حافظیان رضوی: از توضیحات آقای دکتر ضیایی سپاس گزاریم. آنچه ایشان بیان کردند نمونه ایده‌آل و مورد نیاز کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی بود. امیدوارم که نگاه به کتابخانه‌ها با همین بحث‌ها دگرگون شود. از حضور تمامی مهمانان گرامی تشکر می‌کنم. از نظرات آنها استفاده بردیم و امیدوارم که برنامه برگزاری همایش برای مدیران کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی به لطف کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران فراهم شود. در پایان سخن بجا می‌دانم عین مطالب خانم لیلا مکتبی را که یکی از مدیران کتابخانه‌های تحقیقاتی کشور هستند و در سایت انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران درج شده است، به عنوان حسن ختام نشست به عنوان یکی از چالش‌های مدیریت کتابخانه‌های تخصصی می‌آوریم.

«در عصری که آن را عصر اطلاعات می‌نامیم و در جامعه‌ای که یکی از اجزای بلا فصل شعرهای فرهنگیش کتاب، کتابخانه و کتابخوانی است، هنوز هم اتفاق‌هایی می‌افتد که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. هدف من از نوشتن این نامه استمداد، گلایه یا چیزی شبیه به این نیست، زیرا از بضاعت اندک انجمن در امور اجرایی مطلع هستم، بلکه می‌خواهم کمی با هم صنف‌های خود درد دل کنم و اندکی از رنجی را که طی ماه‌ها مبارزه برای حفظ کیهان و تمامیت یک کتابخانه متحمل شدم، با شما در میان بگذارم.

شاید بسیاری از کتابداران نام کتابخانه مرکزی مرکز آموزش مدیریت دولتی (سابق) را شنیده باشند و حتی برخی از آنان به عنوان مراجعه کننده یا کارآموز روزگاری را در این کتابخانه سپری کرده باشند. کتابخانه ای که با مجموعه ای بالغ بر ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) نسخه منبع و حدود سی کتابخانه اقماری در سراسر ایران می رفت که به عنوان کتابخانه منطقه ای مدیریت در خاورمیانه مطرح شود. روزی که به عنوان سرپرست بخش مجموعه سازی و سازماندهی لاتین وارد این کتابخانه شدم، احساس می کردم که با وجود مدیریت کتابدار با درایتی همچون خانم زندگی روان در این کتابخانه به تولدی دوباره در زندگی حرفه ای خود رسیده ام و بعدها که خانم زندگی روان برای ادامه تحصیل کتابخانه را ترک کرد و سرپرستی آن را به من سپرد، حس می کردم بار مسئولیت اداره چنین کتابخانه با عظمتی برای شانه های بی تجربه من بسیار سنگین است.

اما افسوس که با ظهور بلیه ای به نام ادغام (مرکز آموزش مدیریت دولتی و مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه) و جداسازی مراکز استانی از این کتابخانه از سال ۱۳۸۱ روند حرکت این کتابخانه رو به افول نهاد. به این ترتیب کتابخانه مرکزی تبدیل به یکی از دو کتابخانه این مؤسسه تازه تاسیس یعنی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی شد. (دریغاکه ما در زمانه ای زندگی می کنیم که بیش از آنکه به معانی و مفاهیم بپردازیم، اسیر نام ها و واژه ها می شویم.)

در شهریورماه امسال برای سومین بار پس از ادغام، مدیریت مؤسسه تغییر کرد و این تیم در یکی از نخستین اقدامات خود کتابخانه ها را هدف قرار داده و به این ترتیب کاری ترین ضربه بر پیکر کتابخانه مرکزی که اینک کتابخانه ساختمان استاد نجات اللهی نامیده می شود، وارد شد. طرح آقایان این بود که به تبع تغییراتی که در محل برگزاری کلاس های آموزشی مؤسسه ایجاد شده (مؤسسه هر سال از طریق سازمان سنجش اقدام به جذب تعداد بسیار محدودی دانشجو در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد می کند) و از آنجا که اینک کلاس ها در ساختمان نیاوران برگزار می شود، دیگر توجیه اداری و اقتصادی برای وجود کتابخانه ساختمان استاد نجات اللهی وجود ندارد و این کتابخانه باید به ساختمان نیاوران منتقل شده و با کتابخانه مستقر در آن ساختمان ادغام شود.

در ابتدای امر سعی کردم از طریق نامه نگاری و ملاقات حضوری با مشاور عالی مؤسسه در امور پژوهش که در حقیقت حکم معاونت پژوهشی مؤسسه را داشته و پیشنهاد این جابه جایی از طرف ایشان مطرح شده بود، آقایان را از این تصمیم اشتباه منصرف کنم، اما متأسفانه کارگر نیفتاد. ظاهراً مصوبات هیأت رئیسه - نعوذ بالله - در حکم وحی منزل بوده و بلا تغییر است!

پس از آن با انجام یک پژوهش که حاصل آن در قالب یک مقاله به هیأت رئیسه ارائه شد سعی کردم آنها را متوجه عواقب ادغام فیزیکی یک مجموعه ۵۰۰۰۰ نسخه ای با مجموعه کتابخانه ای دیگر که با سمت و سویی کاملاً متفاوت مجموعه سازی و سازماندهی شده است بنمایم. تا حد اقل مجاب شوند که با در نظر داشتن اقدامات گسترده ای نظیر ثبت مجدد کتاب ها و سایر منابع، یکپارچه سازی شماره های رده بندی و نشانه های کاتر، انتقال داده ها از یک سیستم مکانیزه به سیستمی دیگر (کتابخانه ساختمان استاد نجات اللهی نرم افزار سیمرغ و کتابخانه ساختمان نیاوران نرم افزار پارس آذرخش دارند)، پیش بینی فضای فیزیکی برای جایدهی منابع، روان شناسی نیروی انسانی از بعد پذیرش این تغییر و از همه مهم تر توجیه جامعه گسترده استفاده کننده ای که به استفاده از این مجموعه در این موقعیت فیزیکی خو گرفته است (لازم به ذکر است که به دلیل تمایل بسیاری از محققان حوزه مدیریت و علوم وابسته به استفاده از کتابخانه ما از سال ها قبل با عضویت کلیه علاقه مندان تنها با ارائه یک معرفی نامه معتبر از محل کاری تحصیل و پرداخت مبلغی به عنوان حق عضویت، موافقت شده و برای آنان کارت عضویت صادر می شد) این ادغام مستلزم وقت و نیروی قابل توجهی خواهد بود.

جالب است که هیأت رئیسه محترم این طرح را بسیار مثبت ارزیابی کرده و از آن استقبال شایان توجهی کرد. ولی در عین حال اعلام شد که ما نسبت به اعضای که از خارج از مؤسسه عضو کتابخانه شده اند، هیچ مسئولیتی نداریم! و با توجه به اینکه احداث ساختمان جدید کتابخانه به زودی آغاز شده و تا پایان سال به بهره برداری می رسد. می توان اقدامات مقدماتی در خصوص این جابه جایی را آغاز کرد. از بنده نیز دعوت شد

تا از این ساختمان در حال احداث دیدن کرده و نظرات خود مطرح کنم.

پس از بازدیدی که از این ساختمان در حال احداث کردم متوجه شدم که اساساً مکان جدیدی وجود ندارد و تنها ۶۵ متر مربع به زیربنای کتابخانه ساختمان نیاز است که در حال حاضر ۱۴۴ متر است اضافه خواهد شد! آن هم برای جایدهی مجموعه‌ای که در حال حاضر به سختی در ۳۳۰ متر مربع جایدهی شده است.

کلیه طراحان و مجریان این پروژه افتخارآمیز فقط یک بار این کتابخانه را از نزدیک دیده‌اند، با این حال به خود اجازه دادند که به همین راحتی در خصوص تخصیص فضا و جابه‌جایی این کتابخانه تصمیم بگیرند و وقتی که با اعتراض‌های مکرر من مواجه شدند تلویحاً به من فهماندند که در سیاست‌گذاری‌های اخیر مؤسسه جایی برای چنین کتابخانه بزرگی در نظر گرفته نشده و اساساً نیاز به چنین کتابخانه‌ای نداریم به ویژه که فضای فعلی کتابخانه که در زیر زمین واقع شده است برای استقرار واحدهایی مانند انبار و آشپزخانه مورد نیاز است! کتابخانه‌ای که حدود ۳۷ سال قدمت دارد؛

کتابخانه‌ای که به جرأت می‌گویم یکی از منحصر به فردترین مجموعه مدیریت و علوم وابسته را دارد؛ کتابخانه‌ای که نرخ رشد سالیانه عنوانین آن به بیش از ۱۲٪ می‌رسد، یعنی سالانه حدود ۳۰۰۰ عنوان منبع جدید به مجموعه آن اضافه شده است؛

کتابخانه‌ای که بیش از ۸۵۰۰ عضو دارد که نیمی از آنها طبق آمار فعال هستند؛ کتابخانه‌ای که با سیستم قفسه باز اداره شده و تنها برای حفاظت از منابع آن یک Gate سیستم امنیتی به مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار خریداری شده است؛

کتابخانه‌ای که حدود ۱۵۰ عنوان نشریه جاری فارسی و انگلیسی دارد؛ کتابخانه‌ای که از سیستم جامع تحت وب سیم‌رغ استفاده می‌کند؛ کتابخانه‌ای که ۹ دستگاه رایانه برای جست‌وجوهای پیوسته در پایگاه‌های اطلاعاتی مانند Emerald، Ebsco، Gale، etc، نمایه و فهرست رایانه‌ای کتابخانه و اینترنت در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار داده است؛ کتابخانه‌ای که بیش از ۵۳۰۰۰ مراجعه و ۶۲۰۰۰ گردش منبع در سال داشته است؛ کتابخانه‌ای که هشت کارشناس کتابداری تمام وقت دارد.

و سرانجام کتابخانه‌ای که به لحاظ دسترسی در یکی از بهترین نقاط شهر تهران یعنی بلوار کریمخان، خیابان استاد نجات‌اللهمی شمالی قرار دارد، اینک آخرین روزهای حیات خود را سپری می‌کند. چرا که انتقال چنین مجموعه‌ای به یک فضای ۶۵ متری در دامنه کوه جمال آباد نیاز به چیزی جز مرگ این کتابخانه را رقم نخواهد زد.

تنها دستاویزی که برایم بازمانده این است که بتوانم با راضی کردن اعضای محترم هیأت رئیسه بخش عمده منابع این کتابخانه را از طریق اهدای آن به مجموعه‌های تخصصی از خطر نابودی نجات دهم هر چند که با توجه به فرآیند پیچیده و نفس‌گیر خروج اموال دولتی از سازمان، حتی به تحقق این واپسین آرزویم نیز چندان امیدوار نیستم.

من بر این باورم که تنها انسان‌ها و حیوانات نیستند که روح دارند. کوه‌ها، رودها، شهرها، ساختمان‌ها و اشیا نیز می‌توانند روح داشته باشند. روحی که آدمی آن را حس کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کند. من اینک آرزوگی روح این کتابخانه را حس می‌کنم و از صمیم قلب امیدوارم که با تزریق منابع آن در کتابخانه‌های دیگر این روح با عظمت تکثیر شده و تا ابدیت ادامه یابد.

پانویس:

* لازم به ذکر است، در این میزگرد بیست نفر از مدیران کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی دانشگاهی و تحقیقاتی دعوت شده بودند که فقط این عزیزان در جلسه حضور پیدا کردند.